سرمقاله: دولت، شورای اطلاع رسانی، سخنگو و روابط عمومی ها

مطهری نژاد، میرزا بابا

سرانجام بعد از چند سال توقف در نخستین روزهای‏ دی ماه‏1380،هیئت دولت،رئیس شورای اطلاع‏رسانی‏ و سخنگوی دولت را تعیین کرد،و یکی از محوری‏ترین‏ اقدامات در جهت پاسخگو بودن و پاسخگو شدن دولت‏ صورت واقع پیدا کرد.

راه درازی در پیش است که این عناوین نهادینه شوند و کارکردهای واقعی خود را بیابند و برای همیشه در ساختار دولت‏ها از فاصله بین مردم و دولت بکاهند.

در نگاهی دیگر تعیین رئیس شورای اطلاع‏رسانی و مخنگوی دولت یک رویداد است که قبل از این نیز تا آنجا که نگارنده به خاطر دارد حداقل 4 بار دیگر هم‏ صورت وقوع یاقته است و هرگز به یک تغییر اساسی‏ منجر نشده است،یکی در دولت شهید رجایی که آقای‏ مهندس بهزاد نبوی مسئولیت سخنگویی دولت را یافت، دیگری در دولت مهندس موسوی که نهادی به نام‏ شورای عالی تبلیغات دولت تعریف شد و بدون آنکه‏ این شورا شکل پیدا کند دبیرخانه عریض و طویلی با نام دبیرخانه تبلیغات دولت در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بوجود آمد که زنده‏یادان حجت الاسلام‏ نوروزی و محمد ملازم از جمله مدیران کل این‏ دبیرخانه بودند و سومی هم در دولت آقای هاشمی‏ رفسنجانی روی داد که آقای دکتر حسن حبیبی به‏ عنوان سخنگوی دولت انتخاب شد و چند صباحی علاوه‏ بر سمت معاونت اول به سخنگویی نیز اشتغال داشت و بالاخره پس از چند چالش نه‏چندان سنگین اجتماعی‏ برای همیشه بدون هیچ توضیحی از سخن افتاد و سرانجام در دولت اول آقای خاتمی،آقای دکتر عطاء الله‏ مهاجرانی وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی،علاوه بر سمت وزارت به عنوان رئیس شورای اطلاع‏رسانی و سخنگوی دولت انتخاب شد که ایجاد اداراتی جدید تنها ثمره‏ای است که از آن دوران بر جای مانده است، اداره کل تبلیغات دولت در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عنوان خود را عوض کرد و به اداره کل تبلیغات‏ تبدیل شد،هماهنگی با روابط عمومی‏ها و وظیفه‏ توانمندسازی و هماهنگ نمودن مجموعه روابط عمومی‏ها در امور مربوط به دولت و رابطه دولت با جامعه ساز و کار جدیدی پیدا کرد.

ثمره رویداد انتصاب دکتر مهاجرانی این شد که روابط عمومی‏ها دو متولی پیدا کردند.بقایای اداره کل تبلیغات‏ دولت در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با نام جدید «اداره کل تبلیغات»زیرمجموعه معاونت مطبوعاتی این‏ وزارتخانه،همچنان بخشی از فعالیت خود را هماهنگی‏ و توانمندسازی روابطعمومی‏ها می‏داند تا آنجا که مدتی‏ قبل یکی از کارشناسان این مجموعه خبر از انجمن‏ها و تشکل‏های حکیم فرموده روابط عمومی‏ها در استان‏ها داد و برای قوام بخشیدن به این نوع تشکل‏ها،سفرها و سخنرانیها و تجمع‏هایی چند را سامان داد و امور مربوط به ارزیابی روابط عمومی‏ها و انتخاب روابط عمومی‏ برتر را همچنان در دستور کار دارد و همایش سالانه‏ بررسی مسائل روابط عمومی‏های کشور را نیز متولی‏ است و صدها سخن ناگفته که در مقالی دیگر به آن‏ خواهیم پرداخت،و این در حالی است که تشکیلات‏ ایجاد شده در زمان دکتر مهاجرانی با نام دبیرخانه شورای‏ اطلاع‏رسانی دولت و دفتر سخنگوی دولت نیز،کار ارتباط با روابطعمومی‏های دولتی و هماهنگی با آنها در برگزاری هفته دولت و دهه فجر و امثال آن و نیز اقدام به انتشار کتاب و توسعه ادبیات روابط عمومی و انتشار بولتن‏های ویژه از فعالیت‏های دولت و تهیه فیلم‏ و عکس و هماهنگی با صداو سیما و ارتباط با نهادهای‏ مدنی روابط عمومی و غیره را برعهده گرفته و همچنان‏ فعال است-اما در حد یک رویداد باقیمانده است.

و اینک رویدادی جدید که همانا انتصاب آقای دکتر رمضان‏زاده به عنوان رئیس شورای اطلاع‏رسانی و سخنگوی دولت را نیز شاهد هستیم.آیا این رویداد به‏ تغییری خواهد انجامید؟!آیا آن تغییر تعادلی خواهد بود یا ساختاری،روابطعمومی‏ها و نهادهای مدنی روابط عمومی نقش واقعی و حرفه‏ای خود را در شورای‏ اطلاع‏رسانی و نهاد سخنگویی دولت خواهند یافت یا همچنان حرکتی ابهام‏آمیز و سایه‏وار در این رابطه به‏ آنها تحمیل خواهد شد-خدا کند که این عناوین برای‏ زینت آقای دکتر رمضان‏زاده و این که تنها دبیری هیئت‏ دولت ایشان را کفایت نمی‏کرده است به ایشان داده‏ نشده باشد!و ایشان نیز با ایده‏هایی،ارزش‏آفرین پای‏ در این میدان نهاده باشند،انشاء ا...